



تاثیر EPS و عوامل عملکردی بانکها و فعالیت خارجی بانکی با رتبه اعتباری آنها و تاثیر آن بر شاخص تورم کشور

نسرین بیرانوند^۱

۱- مرتبه علمی کارشناسی ارشد، گروه علمی مدیریت مالی، دانشگاه آزاد امام خمینی، بروجرد، ایران. tahahanan1340@gmail.com

چکیده

تورم از جمله مشکلات ساختاری اقتصاد ایران است که با نرخهای دو رقمی بر عملکرد اقتصادی کشور در دوران پس از جنگ تحمیلی تا کنون اثر گذار بوده است. سیستم بانکی به عنوان بخش مهم اثر گذار بر عملکرد اقتصادی در تمام این سالها خود به شدت متأثر از شرایط تورمی اقتصاد بوده است. تورم، نرخ بهره واقعی را کاهش داده و تقاضا برای وام را افزایش میدهد.

در این مقاله مبتنی بر دادههای سری زمانی اثرات تورم بر عملکرد بانکی در ایران از جهت جذب سپرده و نیز اعطای تسهیلات و فعالیت خارجی بانکی با رتبه اعتباری آنها طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ بررسی شده است. اطلاعات از گزارشات اقتصادی سالانه بانک مرکزی و همچنین وب سایت بانک مرکزی و سازمان آمار کشور بدست آمده است. روش تحقیق انجام تحلیل رگرسیون و نیز استفاده از روش تحقیق همبستگی با استفاده از نرم افزار Eviews بوده است. یافته های بدست آمده حاکی از آن است که اگرچه تورم تاثیر منفی بر عملکرد نظام بانکی و فعالیت خارجی بانکی و همچنین درآمد هر سهم (EPS) در جذب سپرده ها و نیز دادن تسهیلات داشته است لیکن ضریب ارتباط در اغلب مدل ها چندان قابل توجه نبوده است.

لذا باید پذیرفت که پیشینه دولتی ایران طی ۲۸ سال گذشته رابطه علیت صرف بین حجم سپرده گذاری را با متغیرهای سود بانکی و تورم نفی می کنند. که این دو مفهوم را می رساند که اولاً طی سالهایی که تورم از نرخ سود سپرده ها بیشتر بوده معذک حجم سپرده گذاری افزایش یافته است یعنی سپرده گذاران زین دیده اند این مفهوم ناکارآمدی نظام اقتصاد دولتی است که انحصار را در همه عرصه ها نهادینه کرده یعنی آلترناتیوی برای انتقال سپرده های مردم از بانک ها به بازارهای دیگر وجود نداشته ثانیاً نشان میدهد که عوامل دیگری از اقتصادی و غیر اقتصادی بر حجم سپرده ها مؤثر بوده اند.

کلمات کلیدی: تورم، سرکوب مالی سپرده های جذب شده، رتبه اعتباری، عملکردی بانکی، درآمد هر سهم

The impact of EPS and the performance factors of banks and external banking activity with their credit rating and its impact on the country's inflation index

Nasrin beyranvand, MSc¹

1- Department of financial management, Borojerd Branch, Azad University, Borojerd, Iran. tahahanan1340@gmail.com

Abstract

Inflation is one of the structural problems of Iran's economy, which has affected the country's economic performance in the post-war period with double-digit rates until now. The banking system, as an important part of the economic performance, has been heavily affected by the inflationary conditions of the economy in all these years. Inflation reduces the real interest rate and increases the demand for loans.

In this article, based on time series data, the effects of inflation on banking performance in Iran in terms of deposit attraction, as well as the have been investigated. The granting of foreign banking facilities and activities with their credit rating during the years ۱۳۶۸ to ۱۳۸۶ information is obtained from the annual economic reports of the Central Bank, as well as the website of the Central Bank and the National Statistics Organization.

The research method was regression analysis and correlation research using Eviews software. The findings indicate that although inflation has had a negative effect on the performance of the banking system and foreign banking activity as well as earnings per share (EPS) in attracting deposits and providing facilities, the correlation coefficient in most models was not significant. Is.

Therefore, it should be accepted that the government history of Iran over the past years negates the causal relationship between the volume of deposits and the variables of bank interest and inflation. which conveys these two concepts, firstly, during the years when inflation was higher than the interest rate of deposits, however, the volume of deposits has increased, which means that the depositors have seen the saddle. There is no alternative to transfer people's deposits from banks to other markets. Secondly, it shows that other economic and non-economic factors have affected the volume of deposits.

Keywords: inflation, financial suppression of attracted deposits, credit rating, bank performance, earnings per share

۱- مقدمه

برای منابع مالی کاهش یافته و هر چه نرخ سود بانکی کاهش باید تقاضا برای منابع مالی افزایش خواهد یافت.

نرخ سود بانکی همچنین از متغیرهای کلیدی و اساسی اقتصاد است و ارتباط این متغیر کلیدی با میزان پس انداز ملی سرمایه گذاری، میزان توان جذب منابع در نظام بانکی ارائه تسهیلات رشد و توسعه بخشهای مختلف اقتصادی کنترل نقدینگی تورم اشتغال و رونق و رکود اقتصادی باعث گردیده تا تعیین نرخ سود بانکی در همه کشورهای جهان و به خصوص اقتصادهای پیشرفته نرخ بهره از حساسیت ویژه ای برخوردار باشد... بدیهی است که یکی از علل اساسی ناکارآمدی سیستم بانکی کشور در تثبیت سطح عمومی قیمتتها دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب و ایجاد اشتغال، معطوف به عدم استفاده و بکارگیری صحیح از ابزار نرخ بهره بانکی است.

نرخ بهره بانکی به عنوان هزینه سرمایه از دیدگاه سرمایه گذار و هزینه فرصت پول از دیدگاه سپرده گذار محسوب می شود از این رو نیروهای موجود در بازار سرمایه نرخ تعادلی بهره را تعیین میکنند. به عبارت دیگر تعیین نرخ عادلانه و صحیح برای این متغیر بایستی از طریق مکانیسم بازار صورت گیرد یعنی نرخ سود بانکی (نرخ بهره) تحت شرایط عرضه و تقاضا در نقطه ای به تعادل می رسد که متناسب با نرخ تورم باشد. تا قبل از دهه ۱۹۷۰ اقتصاددانان فرض میکردند که نرخ های پایین بهره مخارج سرمایه گذاری و رشد اقتصادی را مطابق نظریات نئوکلاسیک و کینزی افزایش خواهد داد. مکینون و شاو (۱۹۷۳) از نخستین کسانی بودند که با این موضوع مخالفت کردند و بصورت همزمان این فرضیه را مطرح کردند که افزایش در نرخ سپرده ها پس انداز و سرمایه گذاری را افزایش میدهد. فرای (۱۹۸۰) نیز فرض کرد که کاهش نرخ بهره واقعی سپرده، تقاضای واقعی پول (تعریف وسیع پول که شامل سپردههای پس انداز و مدت دار است) و عرضه واقعی اعتبار را کاهش می دهد. همچنین آزمون های تجربی از رابطه مثبت و معنادار بین نسبت پس انداز ملی به تولید ناخالص ملی و نرخ بهره واقعی سپرده در بیشتر مطالعات حمایت می کنند. ووکل و باسر (۱۹۷۶) نشان داده اند که در کشورهای آمریکای لاتین، اثر منفی تورم بر نسبت پس انداز و مدت دار به تولید ناخالص داخلی به شدت معنا دار بوده است.

در متون اقتصادی، مطالعات فراوانی وجود دارد که به حساسیت و واکنش مثبت پس انداز نسبت به نرخ بهره واقعی اشاره می کنند. برای مثال مطالعه یوسف و پیترز (۱۹۸۳) کویتا (۱۹۸۳)، روئس (۱۹۸۲)، هانی و دوملو (۱۹۸۵) و فرای (۱۹۷۸) و (۱۹۸۰) از الگوی مک کینون - شاو (واکنش مثبت پس انداز نسبت به نرخ بهره واقعی) حمایت کرده اند و بعضی مطالعات دیگر از جمله گوپتا (۱۹۸۴)، لوکامیو و همکاران (۱۹۸۵) کیوانینی (۱۹۸۵) این فرضیه را در بعضی از کشورهای در حال توسعه مواجه با وضعیت سرکوب مالی رد کرده اند. از بررسی کلی متون تجربی این چنین برمی آید که در بیشتر کشورهای در حال توسعه این فرضیه مورد قبول میباشد اگرچه بعضی از مطالعات، شک در مورد اعتبار این فرضیه را گسترش داده اند.

علاوه بر این تجارب کشورهای در حال توسعه که در نیم قرن گذشته سیاستهای سرکوب مالی را پیش گرفتند نشان میدهد که پس از شکست این سیاستها ناگزیر به اصلاحات ساختار مالی روی آوردند که صفت مشخص و فصل مشترک این سیاستها، پرهیز از سیاستهای سرکوب مالی و آزاد سازی نرخ بهره بوده است که چرایی آن در نتایج حاصل از مطالعات و تحقیقات پولی مانند مک کینون شاو، ماکسول و تزل وال "مشهود است. همچنین مطالعات انجام شده در اقتصاد ایران نیز حکایت از رها سازی کنترل نرخ بهره

تورم عبارتست از افزایش عمومی و نامتناسب و خود افزای قیمتتها که اغلب حالتی مداوم و برگشت ناپذیر دارد. (کتابی، ۱۳۷۱). تورم تأثیرات جانبی زیادی از جمله بر توزیع درآمدها مصرف کاهش تولید توزیع منابع و کارایی انحراف امکانات تولید به فعالیتهای نامطلوب، بودجه دولت دارد. (همان) در رابطه با تأثیر تورم بر بخش مالی مطالعات نشان میدهد که تورم بر توانایی بخش مالی برای تخصیص بهینه منابع اثر می گذارد. یعنی نرخ تورم نرخ بازده واقعی پولی و داراییها را میکاهد. (Boyd et al, ۲۰۰۱). همچنین افزایش در نرخ تورم بطور مخالف بر عملکرد بخش مالی از طریق اعتبارات بازار تأثیر میگذارد که نتایج منفی هم روی بانکها و هم روی عملکرد بازار سرمایه و بنابراین رشد اقتصادی بلند مدت می گذارد (Huybens and Smith, ۱۹۹۸, ۱۹۹۹).

وظیفه اساسی نظام پولی مالی تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در سیستم اقتصادی جهت پشتیبانی و تسهیل امور تولیدی و گسترش رفاه و توسعه اقتصادی است. نظام پولی مالی شامل بازارهای مالی (به طور مشخص بازار سهام) و نظام بانکی است که در ایران به دلیل عدم گسترش مناسب بازارهای مالی نقش نظام بانکی بسیار پررنگتر شده و در نتیجه نقش بسیار مهمی در تأمین و تجهیز منابع مالی و تشویق سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری بهینه و مطلوب منابع مالی و تسهیل رشد اقتصادی بر عهده دارد. در این مقاله در پی آن هستیم که عملکرد نظام بانکی را در شرایط تورمی ایجاد شده در اقتصاد ایران مورد ارزیابی قرار دهیم. پس از مقدمه ابتدا مروری بر مباحث ادبیات خواهیم داشت سپس روش انجام پژوهش و مدلهای مورد استفاده مرور شده و آنگاه نتایج بدست آمده ارائه میگردد. در پایان نیز نتیجه گیری و پیشنهادهای تحقیق را خواهیم داشت.

۲- بیان مساله

ادبیات موضوع

نظام پولی مالی کشور نقش کلیدی در ثبات و کارایی محیط اقتصادی حفظ ثبات سطح عمومی قیمتتها پشتیبانی امور تولیدی و تسهیل رشد و توسعه اقتصادی کشور دارد. وظیفه اساسی نظام پولی مالی تجهیز منابع مالی و تخصیص بهینه آن در سیستم اقتصادی جهت پشتیبانی و تسهیل امور تولیدی و گسترش رفاه و توسعه اقتصادی است. نظام پولی مالی شامل بازارهای مالی (به طور مشخص بازار سهام) و نظام بانکی است. که در ایران به دلیل عدم گسترش مناسب بازارهای مالی نقش نظام بانکی بسیار پررنگتر شده و در نتیجه نقش بسیار مهمی در تأمین و تجهیز منابع مالی و تشویق سرمایه گذاران برای سرمایه گذاری بهینه و مطلوب منابع مالی و تسهیل رشد اقتصادی بر عهده دارد. منابع مالی نظام بانکی به طور طبیعی از محل سپرده های مردم تأمین میگردد و یکی از مهمترین متغیرها در تصمیمات سپرده گذاری مردم در نظام بانکی نرخ سود سپرده ها میباشد؛ البته در نظام جدید اقتصادی دو نوع نرخ بهره را می توان از هم متمایز کرد یکی نرخ بهره واقعی و دیگری نرخ بهره اسمی (Douglas, ۱۹۸۴)

آنچه برای تصمیمات سپرده گذاری مهم است نرخ واقعی سود بانکی است به نرخهای اسمی؛ به عبارت بهتر نرخ اسمی سود بانکی پس از کسر تورم به عنوان نرخ حقیقی ملاک تصمیم گیری عوامل اقتصادی میباشد از طرف دیگر تقاضا برای منابع مالی در هر فعالیت اقتصادی با توجه به انتظارات فعالین اقتصادی از سود دهی و بازدهی آن فعالیت اقتصادی و نیز نرخ سود بانکی تعیین میگردد به طوری که هر چه نرخ سود بانکی افزایش یابد تقاضا

افزایش ریسک این نوع معاملات منجر به کاهش تقاضای ورود به این بازارها خواهد شد.

انتخاب دیگری که پیش روی سپرده گذاران وجود دارد خرید کالاهای بادوام است که تحت شرایط تورمی نوعی سرمایه گذاری محسوب می شود. تحت این شرایط قسمتی از خریدهای انجام شده به لیست حفظ ارزش پول در قالب کالاهای بادوام صورت میگیرد بنابراین می توان انتظار داشت. تحت شرایطی که نرخ بهره واقعی سپردههای پس انداز بانکی کشور منتفی است سپرده گذاران منابع خود را از سیستم بانکی خارج کنند و به شکلهای دیگر، بازدهی بیشتری را از منابع ریالی خود بدست آورند.

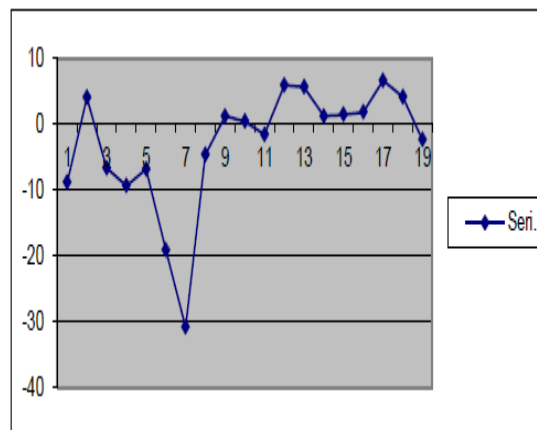
وجود مبادلات مالی در بازارهای غیر رسمی نیز نشاندهنده ناکارآمد بودن سیستم بانکی کشور است در واقع تشکیل هر نوع بازار موازی که فعالیتهای جاری در آن تحت عنوان بازار سیاه صورت میگیرد بانگر وجود عدم تعادل در زمینه تسویه عرضه و تقاضا در بازار رسمی است. بدیهی است که عدم تسویه یک بازار بمعنی وجود عواملی خارجی است که با دخالت در ساز و کار بازار، مانع عملکرد مطلوب آن هستند لذا، تحت شرایطی که نرخ بهره واقعی پس اندازهای منفی است. عوامل اقتصادی منابع ریالی خود را در خارج از سیستم بانکی به کار می گیرند و هر چه تفاوت ترخهای بهره رسمی و غیر رسمی بیشتر شود منابع بیشتری از سیستم بانکی خارج می شود.

از طرفی بدلیل پایین بودن نرخهای بهره تسهیلات وام سیستم بانکی کشور همواره شاهد مازاد تقاضا برای دریافت تسهیلات بانکی بوده است. در این حالت حجم اعتبارات ریالی سیستم بانکی نمی تواند از محل پس اندازهای جامعه تأمین شود؛ که این فشار منجر به تأمین این منابع از محل افزایش پایه پولی می کردند.

گرچه تغییر نظام بانکی از رویی به بدون ریا می توانست با قراردادن نرخ سود در قبال تولید منشا تحولات مثبتی باشد، اما موانعی از تحقق این امر جلوگیری کرد. بانکها نتوانسته اند وظیفه و نقش خود در اقتصاد را ایفا کنند بانکها در جمع آوری پس اندازهای مردم ناتوان بودهاند زیرا رقیب قدرتمندی در این راه نداشتهاند. در کشورهای پیشرفته بنگاههای اقتصادی دیگر مانند بازار بورس تعاونیها و انواع شرکت ها وجود دارد که هر یک بسته به میزان سودآوری و تنوع خدماتشان بخشی از پس اندازهای مردم را جذب می کنند و این رقابت موجب ارتقای کیفی و تنوع خدمات می شود. انحصاری بودن بازار تجهیز منابع برای بانکها در ایران طی سالیان گذشته سیستم خشک و انعطاف ناپذیری بر آنها حاکم کرده بود که دیگر انگیزه ای برای تغییر نداشت. بانکها در جذب پس اندازهای مردم افت دیگری را به وجود آوردند و آن اینکه با گرفتن سود بیشتر از تسهیلات و دادن سود کمتر به سپردهها از ایفای نقش واقعی خود در اقتصاد دورتر شده و ناکارتر شدند. بالا بودن نرخ تورم و ناچیز بودن نرخ سود واقعی سپرده های بانکی عامل دیگری بود که مانع توفیق بانکها در جذب پس اندازهای مردم شد. نرخ تورم بالا خود مسئول افزایش نقدینگی ناشی از تأمین کسری بودجه از طریق سیستم بانکی است. تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از سیستم بانکی از بدترین شیوههای جبران کسری بودجه است که با تزریق پول به اقتصاد نقدینگی را افزایش میدهد میزان نقدینگی از طریق ضرب فرایند چندین برابر پول تزریقی افزایش یافته و به واسطه رابطه منظمی که با نرخ تورم دارد موجب افزایش آن نیز می شود بانک های خصوصی در سال ۱۳۸۱ در قالب ۳ بانک در کشور تاسیس و شروع به فعالیت کردند. با وجود پاره بی از مشکلات، نقش این بانکها در بخش بانکی کشور، تاکنون بسیار قابل توجه و چشمگیر بوده است. به نحوی که از نظر شاخصهایی مانند تجهیز منابع و اعطای تسهیلات در

و کنترل عرضه پول را دارند. نائینی و پسران (۱۳۷۸) نتایج حاصل از مقاله بررسی تأثیر کاهش نرخ سود بانکی بر سرمایه گذاری که توسط ابوالحسن والی زاده و محمود رجبی تهیه شده نشان داده که سرمایه گذاری دولتی در اقتصاد ایران ارتباط معنی دار با نرخ سود بانکی سپردههای بلند مدت ندارد و مهم ترین متغیرهای تأثیر گذار بر آن درآمدهای نفتی و تولید ناخالص داخلی میباشند تغییر در نرخ سود بانکی سپرده های بلند مدت اثری معنی دار و معکوس بر سرمایه گذاری خصوصی در ماشین آلات بر جای میگذارد سرمایه گذاری خصوصی در ساختمان ارتباطی معنی دار با نرخ سود بانکی سپرده های بلند مدت ندارد و این امر ارتباط کل سرمایه گذاری خصوصی با متغیر مذکور را نیز تحت الشعاع قرار داده است. با توجه به اینکه، کاهش نرخ سود بانکی می تواند بطور بالقوه سبب افزایش رانت دریافت تسهیلات بانکی گردد؛ مدیریت عرضه و توزیع منابع بانکی باید به گونه ای باشد که چنین امکانی را محدود نماید.

در مطالعه علی حسین صمدی نیز پیشنهاد شده است که مسئولان کشور برای تحریک پس انداز و سرمایه گذاری به تأمین مالی از منابع داخلی تأکید داشته و اقدام به رها کرده سقف نرخ بهره واقعی نمایند بر اساس یافته های این پژوهش می توان گفت که اگر مسئولان پولی کشور جسارت نسخ سرکوب مالی از طریق رها کردن سقف نرخ بهره واقعی را به خود بدهند سطح سرمایه گذاری و پس انداز حقیقی افزایش خواهد یافت و این امر منجر به افزایش مجدد درآمد و در نهایت رشد اقتصادی خواهد شد (صمدی، ۱۳۸۰) بمنظور تحلیل روند تغییرات میزان سپردههای جذب شده واقعی توسط سیستم طی این سالها شاخصی را معرفی می کنیم که نشاندهنده بازدهی منابع پس انداز شده در سیستم بانکی کشور است. شاخصی مورد نظر، نرخ بهره واقعی است که از اختلاف نرخ بهره اسمی پس اندازهای بانکی و نرخ تورم بدست می آید.



نمودار ۱: نرخ بهره واقعی علمی سالهای ۱۳۸۸ - ۱۳۹۸

با توجه به نمودار ۱ مشاهده میشود که تقریباً در تمامی سالهای مورد بررسی مقدار این شاخص منفی یا نزدیک به منفی بوده است. منفی بودن این شاخص به این معنی ارزش واقعی منابع سرمایه گذاری شده در بانکها به تدریج کاهش می یابد حال عکس العمل آحاد اقتصادی در مواجهه با چنین خواهد بود؟ در چنین وضعیتی تصمیم گیری بمنظور سپرده گذاری با خروج منابع از سیستم بانکی به سایر انتخابهای موجود بستگی دارد. یکی دیگر از این انتخابها سپرده گذاری در بازارهای مالی غیر رسمی است. البته این گونه معاملات که بطور غیر رسمی انجام میشود بدلیل عدم وجود بستری قانونی و با ثبات جهت انجام تعهدات مربوط به قراردادهای، دارای ریسک بوده که طبعاً

واحد محاسبه	شرح متغیر	علامت اختصاری	واحد محاسبه	شرح متغیر	علامت اختصاری
هزار میلیارد ریال	کل تسهیلات داده شده بانک های تخصصی	LOT KH	هزار میلیارد ریال	کل سپرده ها	TD
هزار میلیارد ریال	نقدینگی بخش خصوصی (پول - شبه پول)	LIQ	هزار میلیارد ریال	سپرده دیداری	D1
درصد	نرخ رشد نقدینگی بخش خصوصی	GLI Q	هزار میلیارد ریال	سپرده قرض الحسنه و پس انداز	D2
درصد	نرخ تورم	INF	هزار میلیارد ریال	کل سپرده نزد بانکهای تجاری	DTJ
درصد	نرخ تورم با تاخیر یک ساله	INF (1-)	هزار میلیارد ریال	کل سپرده نزد بانکهای تخصصی	DTK H
بدون واحد	شاخص قیمت مصرف کننده	CPI	هزار میلیارد ریال	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت	D3
درصد	نرخ سود سپرده یکساله	SS	هزار میلیارد ریال	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت	D4
درصد	نرخ سود تسهیلات یکساله	St	درصد	نرخ رشد سپرده قرض الحسنه و پس انداز	GD2
درصد	خالص تورم (تورم منهای نرخ سود سپرده)	INF-SS	هزار میلیارد ریال	نرخ رشد سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت	GD3

پایان سال ۱۳۸۳ نسبت به سال اول فعالیت خود به ترتیب از افزایشی معادل ۱۰ و ۱۳ برابر برخوردار بوده است. این بانکها به علت اینکه شرکتهای دولتی سهامدار آنها تاثیر دولت نیز قرار دارند اما کیفیت خدمت رسانی آنها بطور محسوسی بهتر از بانکهای دولتی است و در ابقای نقش خود کارا تر عمل میکنند. به نظر میرسد تنها راه بهبود صنعت بانکداری در ایران خارج شدن از این صنعت و قرار دادن آن در اختیار مردم باشد. دولت باید بطور واقعی از این صنعت کنار بکشد و فقط بر عملکرد آنها نظارت کند که این نظارت نیز باید از طریق یک بانک مرکزی دارای استقلال دنبال شود. استقلال بانک مرکزی از دولت این تضمین را ایجاد میکند که بانک ها با نظارت این بانک بتوانند یا سیاستهای پولی مناسب وضع عملکردی بانکها و فعالیت خارجی بانکی با رتبه اعتباری آنها را بهبود بخشند.

در ارتباط با استفاده از ابزارهای سیاست پولی از جمله نرخ بهره در کشورهای مختلف مقررات متفاوتی حاکم است در برخی از کشورها نظیر سنگاپور تعیین نرخ بهره به سازو کار بازار محول شده است اما در بیشتر کشورها از جمله سوئد بلژیک ایرلند آندونزی و مالزی مسئولیت تعیین نرخ بهره و انجام تغییرات آن به عهده بانک مرکزی است. در برخی دیگر از کشورها مثل ژاپن بانکها مستقلا در چارچوب ضوابط قانونی نسبت به تعیین نرخ بهره سپرده ها و سود تسهیلات تصمیم گیری میکنند. اما در همه حال میزان نرخ بهره باید از واقعیات اقتصادی کشور تبعیت کند و در جهت تحریک سرمایه گذاریهای مولد افزایش درآمد ملی و تولید ناخالص داخلی تثبیت ارزش پول و ثبات اقتصادی کشور تعیین و مشخص شود. در الگوبرداری از کشورها باید دقت شود تا واقعیات اقتصادی کشور ظرفیتهای موجود امکانات و قوانین اوضاع را پیچیده تر نسازد. در نظام بانکداری بدون ربای ایران سودهای بانکی - اهم از سود سپرده های سرمایه گذاری و تسهیلات توسط بانک مرکزی تعیین می شود و همواره سلفی برای بانکهای عامل مشخص و اعلام میشود که بر اساس آن جذب و تجهیز منابع و اعطای تسهیلات صورت می گیرد و از آنجایی که نرخهای تعیین شده برخاسته از واقعیات اقتصادی کشور نیست. لذا تأثیر آن بر سرمایه گذاری و تولید و در نتیجه رشد اقتصادی مطلوب نبوده و به گسترش سودگرایی و تجارت کاذب منجر شده و یکی از علل مهم عدم تخصیص بهینه منابع و توجیه ناپذیری واقعی سرمایه گذاری ها را شکل داده است. اصرار نظام بانکی در تداوم وضع کنونی به نوعی تأکید بر سیاستهای سرکوب مالی است که از سوی بانک مرکزی اعمال می شود و لذا به استناد ماده ۲۰ قانون عملیات بانکداری بدون ربا مداخلات دستوری مجلس در حوزه پولی را بر نمی تابد (جامسال، ۱۳۸۰).

۳. روش تحقیق

در این پژوهش با استفاده از روش مطالعه کتابخانه ای و بررسی کتب و مقالات گزارشات سالانه اقتصادی بانک مرکزی اطلاعات مربوط به نرخ تورم، عملکرد بانکی از جمله میزان سپرده های جذب شده اعم از کل سپرده های سیستم بانکی سپرده بانکهای تجاری و تخصصی و همچنین به تفکیک دیداری، مدت دار، قرض الحسنه و پس انداز و کوتاه مدت و همچنین میزان کل تسهیلات اعطایی سیستم بانکی و همچنین به تفکیک بانکهای تجاری و تخصصی را در یک دوره زمانی ۱۹ ساله که از سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۴ جمع آوری کرده ایم متغیرهای زیر در برازش الگوها مورد استفاده قرار گرفته است:

ردیف	متغیر بانکی	ضریب همبستگی متغیر بانکی با نرخ تورم
۱	سپرده دیداری	-0.60
۲	سپرده قرض الحسنه و پس انداز	-0.58
۳	سپرده سرمایه گذاری کوتاه مدت	-0.53
۴	سپرده سرمایه گذاری بلند مدت	-0.58
۵	کل سپرده نزد بانکهای تجاری	-0.58
۶	کل سپرده نزد بانکهای تخصصی	-0.58
۷	نرخ رشد سپرده کوتاه مدت	-0.54
۸	کل سپرده های بانکی	-0.58
۹	نرخ رشد سپرده بلند مدت	-0.43
۱۰	تسهیلات بانکهای خارجی	-0.51
۱۱	درآمد هر سهم	-0.48

جدول ۲- ضرایب همبستگی تسهیلات بانکی با نرخ تورم

ردیف	متغیر بانکی	ضریب همبستگی متغیر بانکی با نرخ تورم
۱	کل تسهیلات بانکی	-0.57
۲	تسهیلات بانکهای تجاری	-0.56
۳	تسهیلات بانکهای تخصصی	-0.59
۴	تسهیلات بانکهای خارجی	-0.55
۵	درآمد هر سهم	-0.57

با توجه به نتایج ضریب همبستگی متغیر نرخ تورم با متغیرهای مرتبط با عملکرد بانکی (اعم از متغیرهای مرتبط با جذب سپرده و یا متغیرهای مرتبط با اعطای تسهیلات) در جدول فوق همگی بجز سپرده های دیداری حاکی از ارتباط غیر مستقیم و یا معکوس نرخ تورم با عملکرد بانکی می باشند.

۳- نتایج آزمون فرضیه ها

با توجه به نتایج ارائه شده از مدل های برازش شده در جدول ۱ انواع مختلف سپرده جذب شده اعم از سپرده های بلند مدت کوتاه مدت قرض الحسنه و پس انداز کل و بانک های تجاری و تخصصی پیوند معنا داری با عامل نرخ تورم در فرضیه اول دارد. یعنی هر چه میزان تورم افزایش یابد. تمایل برای سپرده گذاری در بانکها کاهش یافته است که این امر میتواند به این دلیل باشد که در شرایط تثبیت شده نرخ بهره بانکی افزایش نرخ تورم منجر به منفی شدن نرخ بهره واقعی بانکها شده و افرادی که راغب بودند سرمایه های خود را در بانک ها سپرده گذاری کنند.

برای اینکه از تورم در امان باشند و بتوانند سود بیشتری کسب نمایند سپرده های خود را به نزول و ربا با خرید سکه و ارز سوق می دهند.

با توجه به نتایج ارائه شده از مدل های برازش شده در جدول ۲ برای فرضیه دوم تسهیلات اعطایی نظام بانکی اعم از بانکهای تجاری و تخصصی و خارجی پیوند معنا داری با افزایش نرخ تورم دارند. بدین شکل که هر چه

GD4	نرخ رشد سپرده سرمایه بلند مدت	هزار میلیارد ریال	@T REND	تابع متغیر رشد زمانی	-
TL	کل تسهیلات در نظام بانکی <td>هزار میلیارد ریال <td>@M OVAV</td> <td>تابع میانگین متحرک</td> <td>-</td> </td>	هزار میلیارد ریال <td>@M OVAV</td> <td>تابع میانگین متحرک</td> <td>-</td>	@M OVAV	تابع میانگین متحرک	-
LOTj	کل تسهیلات داده شده بانکهای تجاری <td>هزار میلیارد ریال <td>LIQ</td> <td>نقدینگی بخش خصوصی (پول، شبه پول) <td>هزار میلیارد ریال</td> </td></td>	هزار میلیارد ریال <td>LIQ</td> <td>نقدینگی بخش خصوصی (پول، شبه پول) <td>هزار میلیارد ریال</td> </td>	LIQ	نقدینگی بخش خصوصی (پول، شبه پول) <td>هزار میلیارد ریال</td>	هزار میلیارد ریال

برای فرضیه اول یعنی تورم به میزان معنی داری با کاهش جذب سپرده در نظام بانکی رابطه دارد و همچنین برای فرضیه دوم یعنی تورم به میزان معنی داری با محدود بودن ظرفیت وام دهی بانکها رابطه دارد. مدل های زیادی با استفاده از نرم افزار Eviews برازش شده است. که بطور کلی از رابطه معنی دار میان تورم و میزان جذب سپرده و همچنین تورم با میزان تسهیلات اعطایی حکایت می کند ولی برای نتیجه گیری کلی و در نهایت نتیجه گیری فرضیه اهم ابتدا مدل های ضعیف کنار گذاشته شده اند. الگوهای برازش شده نهایی به شرح زیر است:

الگوهای مرتبط با فرضیه اول
$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF$
$TD = C(1) + C(2)*LIQ + C(3)*INF + C(4)*(@TREND)$
$@MOVAV(TD,4) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ$
$MOVAV(DTJ,3) = C(1) + C(2)*INF + C(3)*LIQ@$
$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF + C(3)*(@TREND)$
$DTKH*100/LIQ = C(1) + C(2)*(INF-SS) + C(3)*(@TREND)$
$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$DTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
الگوهای مرتبط با فرضیه دوم
$TL = C(1) + C(2)*INF(-1)$
$TL*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF$
$TL*100/LIQ = C(1) + C(2)*INF(-1)$
$LOTJ*100/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*(INF-ST) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$
$100*LOTKH/CPI = C(1) + C(2)*INF(-1) + C(3)*GLIQ + C(4)*(@TREND)$

همچنین علاوه بر آزمون آماری رگرسیون، از آزمون همبستگی نیز برای کشف رابطه بین تورم با میزان تسهیلات بانکی اعطایی سیستم بانکی استفاده شده است.

۴. نتایج تحقیق

قبل از نتایج آماری رگرسیون از آزمون همبستگی برای کشف رابطه بین تورم با میزان انواع سپرده های جذب شده م و نیز تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی استفاده شده است. نتایج زیر این ضرایب را نشان می دهند.

جدول ۱ - ضرایب همبستگی سپرده های بانکی با نرخ تورم

نداشته در حالیکه در بانکداری مدرن و در یک نظام اقتصاد آزاد رقابتی نرخ سود بانکی و تورم در ارتباطی تعریف شده قرار دارند. دوما نشان میدهد که عوامل دیگری از اقتصادی و غیر اقتصادی بر حجم سپرده ها مؤثر بوده اند بطور مثال نمی توان رابطه بین درآمد و حجم سپرده گذاری را نادیده گرفت و یا عدم اقبال سپرده گذاران نسبت به ورود به بازارهای ریوی به سبب فقدان مشروعیت این بازارهای و یا صنعت بازار سرمایه و تا حدی عدم آشنایی اکثریت سپرده گذاران نسبت به ساز و کار بورسی و ریسک بالای بازارهایی مثل طلا و ارز و ... اما باید بپذیریم که امروزه با ابلاغ سیاستهای کلی اصل ۴۴ و دورنمای رشد و شکوفایی بورسی، قطعاً اگر کاهش سود سپرده ها به تبع کاهش سود تسهیلات انجام گیرد بی تردید بخشی از سپرده ها به بازار سرمایه و خرید سهام منتقل میشود که این خود نیز اقدام مؤثری در جهت شکوفایی بازار سرمایه و اعتلای بخش مولد اقتصاد است. البته باید متذکر شد که کشش پذیری سپرده های با مبالغ بزرگ بیش از سپرده ها با مبالغ کوچک است.

نرخ بهره یکی از ابزارهای کنترل نقدینگی و تورم است که بعنوان ابزار تحقق متغیرهایی نظیر رشد تولید ناخالص داخلی، نرخ تورم اشتغال و غیره که بصورت کمی هدف گذاری میشوند بکار گرفته میشود. اگر چه نمیتوان از آثار متقابل متغیرهای اقتصاد کلان بر یکدیگر نقلت ورزید، اما باید پذیرفت که متغیرهایی که بعنوان ابزار توسعه اقتصادی بکار گرفته میشوند بی تردید بر متغیرهای هدف اثرگذاری متقابل بیشتری دارند بر این اساس، تعیین دستوری نرخ بهره بانکی نیز بعنوان یک ابزار سیاستگذاری پولی اگر در قالب یک مجموعه سیاستهای تکمیلی نظیر تنظیم بازار پول کنترل حجم نقدینگی اصلاح سیاستهای ارزی خصوصی سازی بانکها مهار کسر بودجه و غیره صورت گیرد. می تواند در مهار تورم مؤثر واقع شود اما باید اذعان داشت که ساختار اقتصاد دولتی فاقد ظرفیت لازم برای اعمال خیلی از این سیاستها می باشد و لذا تحول از نظام اقتصاد دولتی به نظام اقتصاد آزاد برای کنترل ریشه ای تورم باید صورت پذیرد.

با در نظر گرفتن نتایج حاصل از این تحقیق و ضمن توجه به مسائل ذکر شده در مباحث پیشین توصیه های سیاستی زیر ارائه می شوند:

۱- عدم توجه به تغییرات نرخ تورم در تعیین دستوری نرخ سود بانکی را که بعضاً حتی در سطحی پائین تر از نرخ تورم تعیین می شود، می توان به عنوان عامل اصلی مشکلاتی معرفی کرد که نظام بانکی ایران با آنها مواجه است در غیر این صورت، نرخ سود واقعی بانکی در حد صفر یا حتی منفی، که به صورت دستوری بر نظام بانکی ایران تحمیل می شود

اولاً) پس انداز در بانکها را به صورت پدیده ای اقتصادی که توجیه کننده به حداقل رساندن مصرف در زمان حال باشد منتفی می کند. از این رو، پس انداز مردم در نظام بانکی در حداقل خود قرار دارد و حجم بزرگی از پس انداز شهروندان ایرانی به جای نهادهای مالی نظیر بانکها یا در داراییهای فیزیکی متجلی میشود و یا به ایجاد بازارهای غیررسمی منجر میشود و این پدیده در بلندمدت میتواند نظام بانکی ایران را در آستانه ورشکستگی قرار دهد.

ثانیاً) با توجه به نرخ سود بانکی واقعی ناچیزی که به ازای تسهیلات بانکی دریافت میشود برخورداران از تسهیلات بانکی با وجود اینکه در ازای این تسهیلات درصدی باز پرداخت میکنند اما چه بسا به دلیل نرخ سود واقعی منفی سود نیز به آنان تعلق میگیرد، از این رو، سیستم بانکی با مازاد تقاضا برای تسهیلات مواجه بوده و برخورداران از تسهیلات بانکی در واقع از نوع رانت اقتصادی بهره میبرند که از یک سو به ترویج فساد اقتصادی و رشوه

میزان تورم افزایش یافته تسهیلات اعطایی توسط سیستم بانکی کاهش یافته است که این امر می تواند به این دلیل باشد که با افزایش تورم چون مردم میل به پس انداز در بانک ها را از دست می دهند. بنابراین سرمایه ای هم ایجاد نمی شود که بصورت وام به متقاضیان تعلق بگیرد بنابراین تسهیلات نیز بطور غیر مستقیم متأثر از تورم و کاهش نرخ بهره بانکی می باشد.

۴- نتیجه گیری

با استناد به نتایج گرفته شده از برآزش مدلها می توان گفت که اگرچه تورم تأثیر منفی بر عملکرد نظام بانکی در جذب سپرده ها و نیز دادن تسهیلات و همچنین درآمد هر سهم داشته است لیکن ضریب ارتباط در اغلب مدلها چندان قابل توجه نبوده است. بنابراین تأثیر تورم بر عملکرد سیستم بانکی در ایران مانند کشورهای پیشرفته که مدارک و شواهد رابطه منفی قوی بین تورم و میزان جذب سپرده و اعطای تسهیلات را ثابت کرده را نشان نمی دهد. که علت را در ذیل توضیح می دهیم.

از لحاظ نظری ثابت شده که چنانچه سود سپرده های بانکی در پی کاهش نرخ سود تسهیلات کاسته شده و این قضیه جبران کاهش ارزش پول سپرده گذار را نکند، یعنی پایینتر از نرخ تورم باشد منطقاً سبب خروج سپرده ها از بانکها و انتقال آنها به بازارهای غیر متشکل پولی (ریوی) که نرخ بهره در آن بالاست بازار سرمایه یا بازارهایی نظیر ارز، طلا، مسکن و ... میشود که این امر منابع تسهیلاتی بانکها را کاهش و نتیجه این می شود که از سود آنها می کاهد. حتی اگر نرخ سود تسهیلات و سپرده ها بطور یکسان کاهش یابد اگرچه در حاشیه سود بانکها تغییری ایجاد نمی کند اما در طی سال به سبب کاهش منابع تسهیلاتی ناشی از خروج سپردهها از بانکها، به نقصان گردش عملیاتی بانکها می انجامد و سطح سوددهی آنان را کاهش میدهد.

اما به رغم منطقی فوق که در شرایط یک بازار رقابتی و در حاکمیت اقتصاد آزاد صادق است. بررسی رفتار سپرده گذاران و تغییر و تحول اجزای نقدینگی یعنی پول و شبه پول در اقتصاد دولتی نفتی طی سالهای پس از جنگ تحمیلی تصویر دیگری را ترسیم می کنند به حکایت آمارهای بانک مرکزی نقدینگی در سال ۶۸ حدود ۱۸۷۵ میلیارد تومان بوده که با یک روند رشد دانمی در پایان سال ۸۶ به رقمی حدود ۱۸۴۰۰۰ میلیارد تومان رسیده یعنی ۸۷ برابر شده طبیعتاً تورم در همین دوره با افت و خیزهایی همواره ۲ رقمی همراه بوده و تر بیشتر سالها افزون بر نرخ سود سپرده ها بوده است. اما سهم شبه پول یعنی همان سپرده های مدت دار که یکی از اجزای نقدینگی است نسبت به حجم پول یعنی اسکناس و مسکوک نزد مردم به اضافه سپرده های دیداری نزد بانکها یعنی جزء دیگر نقدینگی بیشتر رشد کرده که این امر به مفهوم اقبال مردم به سپرده گذاری مدت دار بوده است. علی الخصوص سپردههای کوتاه مدت که همواره از نرخ سود منفی رنج برده اند و حجمی بیش از ۵۰ درصد سپرده ها را تشکیل داده اند. بنابراین با وجود آنکه نرخ سپردههای مدت دار بانکهای دولتی به ویژه کوتاه مدت از نرخ تورم پایین تر بوده است ۹۳ درصد نقدینگی جذب بانک ها شده و جالب است بدانیم که نسبت بین سپردههای مدت دار به سپرده های دیداری نیز دائماً رو به افزایش بوده است. لذا باید پذیرفت که پیشینه اقتصاد دولتی ایران طی ۲۸ سال گذشته رابطه علیت صرف بین حجم سپرده گذاری را با متغیرهای سود بانکی و تورم تلی میکنند که این دو مفهوم را می رساند که اولاً: یعنی طی سالهایی که تورم از نرخ سود سپرده ها بیشتر بوده معذک حجم سپرده گذاری افزایش یافته است یعنی سپرده گذاران زبان دیده اند این مفهوم ناکارآمدی نظام اقتصاد دولتی است که انحصار را در همه عرصه ها نهادینه کرده یعنی آلتزاتیوی برای انتقال سپردههای مردم از بانکها به بازارهای دیگر وجود

در نظام بانکی می انجامد و از سوی دیگر مانع برخورداری شهروندان از فرصتهای برابر به عنوان معیاری از عدالت اقتصادی می شود.

با توجه به مطالب مذکور با فرض اینکه اصل دولتی بودن بانکها و تعیین دستوری نرخ سود بانکی موجه باشد. توجه به تغییرات نرخ تورم در تعیین نرخ سود نظام بانکی تنها راهکار برون رفت از مشکلات حال حاضر نظام بانکی است. نقش اصلی یک نظام بانکی به عنوان یک واسطه مالی در وهله اول این است که پس انداز شهروندان را جذب کرده و آن را به صورت تسهیلات در اختیار افرادی قرار دهد که حداکثر توان و قابلیت سرمایه گذاری و اجرای پروژه ها با بالاترین بازدهی را داشته باشند. لذا تعیین نرخ سود بانکی که نتواند تعادل بین پس انداز و سرمایه گذاری را برقرار کند، موجب تخصیص ناکارآمد منابع و ناکارایی سیستم بانکی خواهد شد. حتی اگر محدودیتهای خاص مربوط به قانون عملیات بانکی کشور را مد نظر قرار دهیم، از موضع نظریات و تجارب علم اقتصاد تعیین نرخ سودی که بالاتر از نرخ تورم باشد و نرخ سود واقعی مثبت را تأمین کند، حداقل چیزی است که از سیاستگذاران نظام بانکی کشور انتظار می رود.

۲- با توجه به شرایط اقتصادی ایران، توانایی کنترل مقامات پولی بر نرخ سود بانکها آن را به یکی از مهم ترین ابزارهای اقتصادی برای تحریک بخش واقعی اقتصاد تبدیل کرده است. کارایی این ابزار سیاستی میتواند توسط دو عامل زیر محدود شود.

اولاً عامل ریسک که موجب میشود نرخ سود از کارایی کمتری در تحریک سرمایه گذاری برخوردار باشد لذا تغییر دستوری نرخ سود بانکی نیز فاقد کارایی لازم برای تحریک بخش واقعی اقتصاد خواهد بود.

ثانیاً تعیین نرخ سود بانکی بدون توجه به تغییرات نرخ تورم که قادر نیست توجیه کننده پس انداز در بانکها باشد. از این رو، حجم بزرگی از پس انداز شهروندان در اختیار نظام بانکی قرار نمی گیرد و این بنوبه خود از قدرت تأثیر گذاری سیستم بانکی بر بخش واقعی اقتصاد از طریق تغییر در نرخ سود بانکی می کاهد.

لذا برای اینکه دولتمردان بتوانند ابزار لازم برای بانک مرکزی در جهت تحریک بخش واقعی اقتصاد را فراهم آورند ضروری است در کنار اختیار دادن به بانک مرکزی برای منطقی کردن نرخ سود بانکی به کاهش ریسک اقتصادی نیز همت گمارند. در این صورت، بانک مرکزی قادر خواهد بود از نرخ سود بانکی به عنوان ابزاری کارآمد برای مدیریت نقدینگی و تبدیل آن به جریان سرمایه گذاری و تولید استفاده کند.

۳- قانون کاهش نرخ سود بانکی در حالی تصویب و به مرحله اجرا رسیده است که استدلال اصلی طراحان آن این است که با اجرای این قانون نرخ تورم کاهش می یابد پیرامون این موضوع می توان به چند نکته اشاره کرد.

اولاً این استدلال که با کاهش نرخ سود اسمی نرخ تورم کاهش مییابد در صورتی که ناظر بر یک رابطه بلندمدت باشد، فاقد میانی نظری لازم است. ثانیاً این استدلال در صورت یکه ناظر بر یک رابطه کوتاه مدت باشد به دلیل شرایط اقتصادی ایران و ریسک سرمایه گذاری بالا، از کارایی لازم برخوردار نیست.

ثالثاً اگر به کاهش نرخ بهره بانکی به عنوان یک هدف بنگریم با توجه به تأیید فرضیات تحقیق میتوان این ادعا را مطرح کرد که شرط اصلی کاهش نرخ سود بانکی کاهش نرخ تورم و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی است که امکان کاهش نرخ سود بانکی را ایجاد می کند، به گونه ای که این کاهش به

اولاً این استدلال که با کاهش نرخ سود اسمی نرخ تورم کاهش مییابد در صورتی که ناظر بر یک رابطه بلندمدت باشد، فاقد میانی نظری لازم است. ثانیاً این استدلال در صورت یکه ناظر بر یک رابطه کوتاه مدت باشد به دلیل شرایط اقتصادی ایران و ریسک سرمایه گذاری بالا، از کارایی لازم برخوردار نیست.

ثالثاً اگر به کاهش نرخ بهره بانکی به عنوان یک هدف بنگریم با توجه به تأیید فرضیات تحقیق میتوان این ادعا را مطرح کرد که شرط اصلی کاهش نرخ سود بانکی کاهش نرخ تورم و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی است که امکان کاهش نرخ سود بانکی را ایجاد می کند، به گونه ای که این کاهش به

اولاً این استدلال که با کاهش نرخ سود اسمی نرخ تورم کاهش مییابد در صورتی که ناظر بر یک رابطه بلندمدت باشد، فاقد میانی نظری لازم است. ثانیاً این استدلال در صورت یکه ناظر بر یک رابطه کوتاه مدت باشد به دلیل شرایط اقتصادی ایران و ریسک سرمایه گذاری بالا، از کارایی لازم برخوردار نیست.

ثالثاً اگر به کاهش نرخ بهره بانکی به عنوان یک هدف بنگریم با توجه به تأیید فرضیات تحقیق میتوان این ادعا را مطرح کرد که شرط اصلی کاهش نرخ سود بانکی کاهش نرخ تورم و به تبع آن تعدیل انتظارات تورمی است که امکان کاهش نرخ سود بانکی را ایجاد می کند، به گونه ای که این کاهش به

مراجع

۱. بهمنی، م. (۱۳۸۴) بانکداری داخلی اصول بانکداری، تهران، مؤسسه بانکداری ایران.
۲. بهمنی، م. بهمنی، م. (۱۳۷۰) بانکداری داخلی ۱ تهران، مؤسسه بانکداری ایران
۳. نقوی، به خلیلی عراقی، م. (۱۳۸۳) عوامل مؤثر بر سرکوب مالی و سلسله مراتب تأثیر آنها بر اقتصاد، فصلنامه پژوهشهای اقتصاد ایران، شماره ۲۲
۴. جامساز، ۴۰ (۱۳۸۰) سرکوب مالی، مروری بر بیانیه بانک مرکزی بانک و اقتصاد شماره ۵۶، صفحه ۲۰.
۵. د خاوری، و کشاورزبان، پیوستی و عظیمی (۱۳۸۲) آزاد سازی نرخ سود و تأثیر آن بر متغیرهای کلان اقتصاد ایران، کنفرانس سیاستهای پولی و بانکی.
۶. ع خزائی، م. (۱۳۸۷) آشنایی با تحلیل سریهای زمانی، تهران، مرکز آمار ایران، پژوهشکده آمار.
۷. صمدی ع (۱۳۷۹). گسترش مالی و رشد اقتصادی در ایران آزمون ریشه واحد و همگرایی در حضور تغییر جهت های ساختاری. مجله برنامه و بودجه، شماره ۱۰ و ۱۱.
۸. صمدی، ع. (۱۳۸۰)، سرکوب مالی و رشد اقتصادی در ایران ارزیابی الگوی مک کینون شاو، مجله برنامه و بودجه، شماره ۴۳ و ۴۴، ص ۱۳۲-۱۰۳
۹. طرح منطقی کردن سود تسهیلات بانکی (۱۳۸۴) مجموعه مقالات / مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی. تهران - مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
۱۰. فرجی، ی. (۱۳۷۷) پول و ارز بانکداری، تهران، شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی
۱۱. قدیری اصلی، ب (۱۳۷۶) پول و بانک در پیدایش پول نظریه های پولی ...، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۲. کتابی، ۱ (۱۳۷۱) تورم ماهیت علل آثار و راههای مقابله با آن سال ششم تهران انتشارات اقبال
۱۳. کمیجانی، ا و بیدآباد. ب (۱۳۶۹) تبیین پولی تورم در اقتصاد ایران و امکان پذیری حصول اهداف برنامه پنجساله اول توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران وزارت امور اقتصادی و دارایی، معاونت امور اقتصادی.
۱۴. کمیجانی ال و سیفی پور. ر. (۱۳۸۵). بررسی اثرات سرکوب مالی بر رشد اقتصادی در ایران، فصلنامه پژوهش های اقتصادی، سال ششم شماره سوم
۱۵. نظری اجمالی به جنبه های اقتصادی تورم ۱۳۶۵ گروه تحقیقات بازرگانی داخلی واحد تحقیقات بازرگانی مؤسسه مطالعات پژوهشهای بازرگانی

- Federal Reserve Bank of Cleveland, working paper no3, pp3-17.
۱۶. مجموعه مقالات دوازدهمین کنفرانس سالانه سیاستهای پولی و ارزی (۱۳۸۱)، پژوهشکده پولی و بانکی
۱۷. مجموعه مقالات ششمین کنفرانس سالانه سیاستهای پولی و ارزی (۱۳۷۵) مؤسسات تحقیقات پولی و بانکی .
۱۸. مبانی و استدلالهای طرح مهار تورم : مجموعه مقالات (۱۳۸۳) تهران ، مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی
۱۹. نایینی، ج، پسران (۱۳۷۸)، عرضه پول در اقتصاد، ایران مجله برنامه و بودجه شماره ۳۳ و ۱۳۲ و ۱۰۳، ص ۵۱ و ۴۴
۲۰. نظیفی، ف . (۱۳۸۳) توسعه مالی و رشد اقتصادی در ایران پژوهشهای اقتصادی ، سال چهارم ، شماره ۳.
21. Alexander, R. (1997). "Inflation and Economic Growth", Evidence from A Grow the Equation, Applied Economic, 29, Pp.233-238.
22. Bang, M. & Bernhard, w., & Granato, Jones, 1. (1997) "the Effect of inflation on the natural Rate of output", Experimental Evidence, applied Economics, 29, pp.1191-1190.
23. Blanchard, O. & Fischer, R., (1989). "Lectures on macronomics, MIT Press."
24. Boyd & Champ. (2003). "Inflation and Financial market performance: what have we learned in the last ten years?"
25. Boyd & Levine. & Smith, B. (2001). "The impact of inflation on financial market performance". Journal of Monetary Economics, vol. 24. PP. 221-248.
26. Douglas, G. (1984). "Encyclopedia Economique Paris, Economic a
27. Huybens, E. & Smith. (1990). "Inflation, financial markets, and long run real activity. Journal of Monetary Economics", vol. 43. pp. 283-315.
28. Huybens, S. B. (1998) "Financial Market Frictions, Monetary policy, and capital accumulation in a small open economy". Journal of Economic theory, 81,353-400.
29. John, H., Boyd, & Bruce, champ, (2003). "Inflation, Banking, and Economic Growth", Federal Reserve Bank of Cleveland No. 385.
30. Alnasser, & Dave, Jackson, (2003). "The Impact of inflation on financial sector performance in Latin American countries department of Economics and finance."